تفاوت معانی «عظمت» و «عِظَم»

در ابتدا، نکته‌ای را عرض کنم. ببینید اگر یک «تاء» را از اینجا بردارید، فرمایش حضرت علیه السلام، از اوج مطالب پایین می‌آید. اگر بخوانیم «لاتحویه الأماکن لعِظَمِه»، عبارت عجیبی می‌شود. عظمت، جلال و جبروت یک چیز است، «عِظَم» چیز دیگری است. «عِظَم» متبادر عرفی و استعمال رایج در چیست؟؛ در بزرگی جسمانی است. کِبَر مکانی است. کِبر طول و عرض و عمق است. می‌گویید ببینید چقدر بزرگ است؟! عِظم دارد. اگر در اینجا عبارت این باشد: مکان‌ها نمی‌توانند او را در ببگیرند، چرا؟؛ «لعِظمه». به قدری بزرگ است! این چیز خنده‌داری می‌شود و پایین می‌آید. اما حضرت علیه السلام فرمودند: «لعظمته»؛ چون عظمت دارد «لاتحویه». لذا مرحوم مجلسی بیان دارند.

قبلاً این نکته را گفتم. دوباره تکرار می‌کنم. توضیحات این عباراتی که می‌خوانیم، در دو جای بحارالانوار آمده است. یکی در جلد چهارم بحارالانوار،در صفحه‌ی دویست و بیست و پنج است. مرحوم مجلسی فرمودند: «قوله لعظمته ای لکونه اعظم شأنا من أن یکون محتاجا الی المکان». نه اینکه «لعظمته» یعنی به قدری بزرگ است که مکان‌ها نمی‌توانند جایش بدهند. اجل شأنا است. این یک جا است. دیگری هم در جلد نود – بر اساس چاپ اسلامیه - در صفحه‌ی دویست و بیست و شش است. فرمودند: «لعظمته ای لکون اعظم من أن یکون جسما او جسمانیا فیحلّ فی المکان». از اینجا معلوم می‌شود که دو عبارت اصلاً ناظر به هم نبوده است. در دو وقتی نوشته‌اند که شاید در ذهن شریفشان نبوده که در جای دیگر هم توضیح داده‌اند.

این دو جا، در نظرتان باشد تا عبارت را بخوانیم. بنابراین «لعظمه» خیلی فرق می‌کند. مثالی بزنم. در مورد افقه و اعلم زمان کسی می‌گوید: فقاهتش به قدری بزرگ است که از کره‌ی زمین هم بزرگتر است. جدی هم می‌گوید. نه اینکه بگویید دارد استعاره به کار می‌برد. اگر گفت: فقاهتش به قدری بزرگ است که از کره‌ی زمین هم بزرگتر است، می‌فهمیم درک درستی از علم و فقاهت ندارد. می‌گوید کره‌ی زمین این قدر بزرگ است، فقاهت او هم، همین قدر بزرگ است! برای فقه، بزرگی مکانی قرار داده است. اما اگر کسی می‌گوید فقاهتش به قدری بزرگ است که نمی‌شود به حدّ دریای، بزرگ‌ای را قصد می‌کند که مناسب با فقاهت و علم است. آن وقت درست است و می‌گوید به قدری فقیه است که نمی‌شود به هیچ حسابی درش بیاوری. به هیچ مقیاسی در نمی‌آید.

منظور اینکه کلمه‌ی «عظمت»، در اینجا، دارد از مکان، ترفیع رتبه می‌دهد. خداوند بالاتر از مکان است تا مکان‌ها حاوی او باشند. نه اینکه بزرگتر از هر مکانی است تا آن‌ها نتوانند او را در ببگیرند.

شاگرد: استفاده‌ی لطیفی است، ولی استنادآن به بحث‌های لغت ممکن است آن را قابل مناقشه کند. به این بیان که شاید در زمان حضرت علی علیه‌السلام، هر دو کلمه‌ی «عظم» و «عظمت» به‌معنای بزرگی بوده است. چون حضرات علیهم السلام کلمه‌ی «عظمت» را بیشتر در عظمت شانی

استعمال کرده‌اند، به مرور زمان، در عرف متشرعه‌ی ما، وقتی می‌گویند: «عِظم»، ذهن ما سراغ عظمت مکانی می‌رود و وقتی «عظمت» می‌گویند، ذهن ما سراغ عظمت شانی می‌رود.

استاد: ببینید یعنی قبل از نزول قرآن کریم و بیانات معصومین علیهم السلام، عرف عام عظمت معنوی را نمی‌فهمیدند؟ هُدهُد می‌آید و می‌گوید: «وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»[1]، می‌گوید: «وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ»[2]، عظیم، یعنی خیلی بزرگ بود؟! ای خیر؟. عظیم، در اینجا کدام یک از آن‌ها است؟

شاگرد ۲: احتمال هر دو می‌رود.

استاد: احتمال هر دو را می‌دهید. هیچ ابایی ندارید که بگویید شاید هم تخت پادشاهی او کوچک بود و منظور او از عرش، سلطنت او بود. یک کرسی کوچکی بود، اما دستگاهی زیر آن بود. می‌تواند هم بزرگ باشد؛ مانعی ندارد. اما موارد بود که خود عرف عام عظمت را به‌معنای عظمت معنوی به کار می‌برند. «مَلِک عظیم» یعنی خیلی چاق بود؟! اصلاً منظور از این خیلی چاق‌بودن مراد نیست.

شاگرد: در این مشکلی ندارم. خلاصه منظورم این است که اگر حضرت علیه السلام می‌فرمودند: «عظم»، ما می‌گفتیم یعنی عظیم الشأن. یعنی اینکه اول شما فرمودید، اگر می‌فرمود «لعظم»، از اوج عبارت پایین می‌آمد، اینطور نبود. چون «عظم» و «عظمة» دو مصدر «عَظُمَ، یعظم» است که اسم فاعل آن عظیم است. یعنی در این فضا، شاید یک لطافتی بین عظمت و عظم در جهت لغوی باشد، ولی شاید در ذهنیت متشرعه‌ی ما، این ذهنیت ایجاد شده باشد.

استاد: بله؛ وقتی همین در ذهن من آمد، می‌خواستم در کتاب لغت بگردم. «عِظَم» را اصلاً به‌معنای عظیم معنوی به کار می‌برند یا خیر. احتمال قوی هست که آن را به کار نمی‌برند. ولی آنچه که من گفتم، اساساً مطلبش منظور من بود. لذا من کلمه‌ی «عِظَم» را به‌عنوان یک بهانه‌ای قرار دادم تا مطلب را بگویم. یعنی «عظمت» می‌خواهد بگوید خداوند متعال از اصلِ تناسبِ با مکان، بالاتر است. نه اینکه «عِظَم» مکانی دارد. اینها را فقط بهانه قرار دادم. البته ارتکازاً آن ما هم کمک کرد. ولی آنچه که شما می‌فرمایید جای خودش است که اگر در کلام معصومین علیهم السلام هم «عظم» با قرینه برای عظمت معنوی هم به کار برود، نمی‌توانیم بگوییم مشکل دارد. به عبارت دیگر «عظمت» از آن‌هایی است که عرف عام به‌راحتی می‌توانند از واژه‌های آن برای عظمت معنوی استفاده کنند. ولی مطلبی که من گفتم، مقصود اصلی من بود. اگر حضرت علیه السلام می‌فرمودند: «لعِظَمه»، مقصودشان «عظم» مادی بود، اگر مقصودشان این بود عبارت از عرش پایین می‌آمد و مطلب خراب می‌شد.

---

[1]. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۲۴.

[2]. همان، آیه‌ی ۲۳.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 14:31:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 14:33:27 توسط ... .